



گفتمان ملی افغانستان در کجا قرار دارد؟

مصاحبه جالب و در خور توجه با محترم جمشید پایمرد معاون اول حرکت گفتمان ملی افغانستان...



گفت و شنود خبر نگار وبسایت "گفتمان" با محترم جمشید پایمرد معاون اول گفتمان ملی افغانستان و عضو شورای رهبری ایتلاف حرکت‌های ملی! طوری که خواننده گان عزیز ما آگاهی دارند، از چندی بدین طرف جهت ارایه و پیشکش نمودن نظریات مسئولین درجه اول حرکت گفتمان ملی تصمیم بر آن شد، تا با تهیه و ترتیب گفت و شنود ها دید گاه ها و نظریات ایشان را غرض آگاهی علاقمندان به دست نشر به سپاریم. تا باشد خواننده گان را در مورد دیدگاه های کادر رهبری ایتلاف حرکت های ملی در جریان قرار دهیم. اینک در این رابطه و همچنان پیرامون اوضاع جاری مصاحبه با ایشان را خدمت تان پیشکش مینمایم.

پرسش: شما ازمدت دو سال بدینطرف برای ایجاد گفتمان ملی تلاش و تا کنون همراه با سایر اعضای رهبری این حرکت مصروف فعالیت هستید! هدف از ایجاد و جمع شدن بدور حرکت گفتمان ملی چه بود؟

پاسخ: ما در گام نخست جمع گردیدیم تا ارزیابی کنیم که چرا در صد سال اخیر از مشروطیت تا کنون بار بار جنبش و مدرنیته بر زمین پر از خون وماتن نشسته است؟ از گذشته بیاموزیم که چرا بار بار به جنگ داخلی سقوط کرده به ویران سازی و همدیگر کشی پرداخته ایم؟ و به سوال چه

باید کرد و نکرد تاریخ کنونی جواب ارایه کنیم ! جواب به این سوالها ما را کمک میکرد و میکند که به سرآبی که دیروز رفته بودیم باردیگر نرویم . بل فکر سیاسی را عرضه کنیم که همه نیرو های تحول پسند و ملی گرا آرمان و اندیشه خود را در آن بینند و پاسخی باشد به سوال چه باید کرد ! و چه باید نکرد! که در وضعیت دشوار کنونی و بعد از حاکمیت سرپرست طالبان دیدگاهی باشد تاثیر گذار و آینده نگر.

پرسش: حرکت گفتمان ملی چه زمانی پایه گذاری شد ؟ آیا این اجماع یک ساختار حزبی است ؟

پاسخ: حرکت گفتمان ملی در ماه مارچ سال ۲۰۲۲ در جلسه موسس یا مجمع عمومی پایه گذاری شد. این حرکت یک حزب سیاسی نیست، در ساختار این حرکت شخصیت های مستقل با تفکر وطن دوستانه ، احزاب ملی و مترقی ، نهاد ها وانجمنهای خیر خواه جمع شده اند. این حرکت اهداف وطن دوستانه را در جهت تامین صلح پایدار، ثبات و تامین حاکمیت ملی متکی بر اراده مردم و به اساس قانون دنبال میکند. ما برای تامین اتحاد سراسری همه نهاد های وطن دوست خود را ملزم میدانیم .

سوال : تاکنون با کدام نهاد ها و حرکت های با اهداف همسان بدور یک فورمول یا هدف مشابه در تحت چتر یک اجماع بزرگ جمع شده اید ؟

پاسخ: به تاسی از اهداف مشترک و نیت نیک وطن دوستانه بتاريخ اول میزان مطابق ۲۳ سپتمبر ۲۰۲۳ در یک کنفرانس مجازی که بیش از صد تن فعالان به نمایندگی پنج حرکت جمع گردیده بودند، مطابق سند مشترک {تفاهمنامه همکاری و کار مشترک} و بعد از امضای سند توسط روسای این نهاد ها {ائیتلاف حرکت های ملی افغانستان} رسماً ایجاد گردید در سند تفاهمنامه اهداف ائیتلاف شامل اولویت های ملی و وظایف مشترک تسجیل گردیده است، خوشبختانه این پنج حرکت با اعتماد تمام و همکاری صمیمانه در این مدت کار و فعالیت هدفمندانه را با خرد گرایی و پیگیری صادقانه پیش برده و در مقابل چالشها و کنشها با تدبیر و استقلالیت و برآورده گی وطن دوستانه عمل کرده اند. ناگفته نماند که رهبری این ائیتلاف دورانی بوده و هر حرکت شامل ائیتلاف در امور ساختاری خویش مستقل میباشند . این حرکتها قرار ذیل اند :

۱/ حرکت گفتمان ملی

۲/ حرکت ملی صلح و عدالت

۳/ حرکت همبستگی ملی

۴/ روند همدلی افغانستان

۵/ شورای انسجام مردم افغانستان

مذاکرات با یکتعداد نهاد های دیگر به منظور ایجاد یک چتر بزرگ ملی شامل تمامی نهاد های وطن دوست جریان دارد و به پیشرفتهای نیز نایل آمده ایم.

پرسش: از نظر شما در طی صد سال پسین بحیث عامل اساسی عدم ترقی افغانستان کدام عوامل داخلی و خارجی را میتوان مشخص تر به تصویر کشید و یا بالای آن مکث نمود ؟ .

پاسخ: این عوامل هم داخلی بودند وهم خارجی : در جامعه سنتی افغانستان که قریب به ۹۹ فیصد مردم ما سواد نداشتند ، اما این مردم با اعتقاد و باور به دین اسلام و حب وطن پرستی

که از نیاکان خویش به ارث گرفته بودند درجنگ برعلیه انگریز فایق آمدند، مردم متحدانه با انگیزه وطن پرستی و رسیدن به آزادی با آزان کلمه (الله و اکبر) و در تحت قیادت شاه امان الله استقلال کشور را بدست آوردند. اما شاه امان الله شخصیت تحول پسند، وطن پرست، عادل و با تقوا مدتی پس از استرداد استقلال به چالشهای جدی داخلی مواجه گردید .

پرسش: این چالش ها و یا نکات مشکل زا کدام ها بوده اند ؟

پاسخ: کاپی کاری تحولات مدرن جهان ! بدون درنظر داشت وضعیت اقتصادی ، فرهنگی و روان مسلط جامعه ، فراموش کردن نقش ملا و مسجد در جامعه سنتی و عقب مانده، کم بها دادن به دشمن در کمین نشسته ((انگلیس)) که توانستند منبر مسجد را توسط عمال خویش بدست آورند و مسله کفر را بهانه ساختند، بدین جهت شاه جوان ودلیر پایگاه اجتماعی خویش را از دست داد. عوامل خارجی... در سیاست خارجی و در مناسبات بین شرق و غرب شاه امان الله در حین رابطه با دولت اتحاد شوروی راه تحولات غربی را نیز بیشتر مورد توجه قرار داد که در نتیجه تقابل منافع واهداف قدرتهای شرق و غرب ، اقدامات و دسایس این قدرتها علیه دولت جوان و مستقل ملی چنان شد ، که نتایج آنرا را همه مردم کشور با گوشت وپوست خود شاهد میباشیم . شاه امان الله پس از کسب استقلال اولین دولت مدرن مردمی رو به ترقی را اساس گذاشت ولی بر اساس و طبق تئوری توطیه از بین برداشته شدو نادر خان طبق پلان بقدرت رسید و شاه ولی خان با سرکوب خونین مشروطه خواهان شرایط را برای حاکمیت بدون دغدغه ظاهر شاه به میراث گذاشت !!!!!

پرسش: چه چیز سبب آرامش و ثبات نسبی در زمان محمد ظاهر شاه در کشور شده بود ؟

پاسخ: در زمامداری ظاهر شاه ، در اذهان مردم پادشاه سایه خدا بودو ملا و مسجد و اربابان(زمین داران بزرگ) و سران اقوام پایگاه نظام شاهی را تشکیل میدادند میان مدرنیته و سنت گرایی نسبتاً مصلحت بر قرار بود ، و افغانستان بحیث یکی از پایه گذاران جنبش عدم انسلاک نقش حایل را در مناسبات میان شرق و غرب ایفا کرد ،در نتیجه ثبات ، اقتدار و وحدت ملی بر قرار بود ودر تمامی عرصه های حیات سیاسی - اجتماعی واقتصادی پیشرفت های ولو آهسته، ولی انجام شد. اسلام عنعنه ای، اسلام واقعی در خدمت دین و دولت قرار داشت ، با شدت تضاد های قدرتهای جهانی یکبار دیگر انگلیسها توانستند از یکتعداد شخصیت ها بحیث وسیله علیه جنبشهای آزادی خواهی استفاده برند وبا ایجاد گرو های تندرو استخباراتی زیرنام احزاب اسلامی آنها را در خدمت خویش قرار دادند شما به تاریخ ایجاد این گروها و اعمال ضد بشری و ضد ملی آنها توجه کنید. متأسفانه در این مبحث توضیح این دستگاها و پروژه ها گنجایش ندارد. ..

دولت جوان جمهوریت، تحت ریاست محمد داود نیز از نظر عوامل خارجی ودر تقابل فضای جنگ سرد میان شرق و غرب در نتیجه قیام نظامی سرکوب گردید .

پرسش: کدام عوامل و اقدامات حاکمیت دموکراتیک خلق را به ناکامی کشاند ؟

پاسخ: بعد از قیام هفتم ثور دولت جوان و کم تجربه { جمهوری دموکراتیک افغانستان } با نادیده گرفتن سیر تحولات گذشته و سجایای مردم با شیوه مستبدانه دست به اقدامات عجولانه زد و خود زمینه ساز مخاصمت و شورش گردید، اینکه قدرت های خارجی دوطرف جنگ سرد چه نقشی در وطن ما بجا گذاشتند این را همه میدانیم ، اینکه بیگانگان بربنیاد منافع واهداف

خودشان جنگ را سازمان دهی، تمویل و تجهیز کردند اینرا هم بخوبی میدانیم، ولی مشکل در این بود که جناح حزب حاکم از برنامه مرحله ((دموکراسی ملی)) که در مرام آن حزب تسجیل شده بود عدول کرد، کشور در تقاطع جنگ سرد قرار داده شد و دولت جوان و کم تجربه به خصایص و سجایای سنتی و سخت پای جامعه توجه نکرد، منبر مسجد و ملا و ارباب را از دست داد و با اقدامات شتابنده و کاپی کاری نسخه های دولت شوروی، مردم برضد نظام تحریک و پایگاه اجتماعی نظام در اختیار دولتهای ایران و پاکستان قرار گرفت؛ از نظر روابط و مناسبت خارجی افغانستان با حضور قوای شوروی بار دیگر نقش حایل در مناسبات خارجی بین شرق و غرب را از دست داد و کشور در تقاطع جنگ سرد قربانی تضاد و مخاصمت دو قدرت بزرگ جهانی گردید. با وصف اقدامات اصلاحی و تلاشهای حاکمیت تحت رهبری ببرک کارمل کشور از مصیبت جنگ و تجاوز سازمان یافته نجات نیافت.

اگرچه بعد از به قدرت رسیدن شهید داکتر نجیب الله برای تامین صلح و ثبات و آشتی ملی تلاشهای پیگیر در عرصه داخلی و خارجی انجام یافت و شهید داکتر نجیب الله با درک بلند سیاسی از اهداف جنگ تحمیلی، راه منافع ملی، وحدت ملی، مصالحه و وفاق را در پیش گرفت او یگانه رهبر بود که منبر را از دست ملا و آخند وابسته به خارج بدست گرفت و مطابق آیات قرآن مجید ضرورت ختم جنگ و تامین صلح سراسری ملی را به مردم توضیح داد، شهید داکتر نجیب الله برای آرمان صلح تمام اقدامات را انجام داد تا کشور را از وابستگی یک جانبه در سیاست بین دول نجات دهد، شهید نجیب الله تا سرحد قربانی جان خود به پیش رفت، اما یکتعداد اعضای رهبری دولت و حزب به دستور بیگانه ها به او و کشور جفا کردند، سازمان ملل متحد نیز بنا بر اهداف استراتژیک غرب در افغانستان به تامین صلح و ختم جنگ با قاطعیت عمل نکرد، نظام سقوط داده شد. اما شهید داکتر نجیب در قلب مردم جاه گرفت و دعای عام و خاص را کمایی نمود.

پرسش: درمورد تحولات پس از تسلط مجاهدین و بعداً حضور قوای ناتو در کشور شما چگونه می اندیشید؟

پاسخ: مجاهدین در ۸ ثور سال ۱۳۷۱ در نتیجه یک کودتا و پلان از قبل سازمان داده شده و توافق تعدادی از رهبران داخل حاکمیت با احمد شاه مسعود بقدرت رسیدند. دوره حاکمیت گروه های جهادی با بیان فشرده دوران چپاول و جنایت بود. حاکمیت مجاهدین و حضور طالبان بار اول پروژه بسیار تاریک و چهره ای خوفناک از اسلام را برای مردم نشان داد. دوره حامد کرزی و دوکتور اشرف غنی همچنان با وصف میلیارد ها دالر مصرف به نتایج مخوف و تاریک روبرو گردید، این دوران با وصف موجودیت هزاران مشاور خارجی دوران غارت گری و چپاول رهبران جهادی و شخصیت های مافیایی بود و با وصف آن در این دوره بخصوص در حاکمیت دوکتور غنی کار های موثر برای دولت سازی، قانون سازی آزادی مطبوعات، رشد تعلیم و تربیه و اقدامات نیم بند اقتصادی صورت گرفت اما وضعیت ناسازگاری در کشور حاکم بود، دولت به شکل ملوک الطوائفی اداره میگردید، قدرت اساساً متعلق به زور گویان مسلح جهادی بود. انارشیزم و خود سری مطبوعاتی حاکم و اختلاف سازمان داده شده در تمام سطوح باعث گردید که دولت کارای قانونمدار بوجود نیاید و مصایب آن وضعیت را مردم شریف و بی پناه کشور متحمل گردیدند و هنوز هم میگردند

بعد از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ افغانستان در تنگنای چالشهای جدید جیو استراتژیک قدرت های متخاصم منطقوی و جهانی قرار گرفت که میتواند بحیث قلب آسیا منشا حوادث جدید در منطقه و جهان گردد.

پرسش: شما منحیث یک سیاستمدار که تجربه و ید طولانی سیاسی دارید، برداشت تان پیرامون کنفرانس دوحه چیست ؟

پاسخ: باوصف صدور قطعه نامه شماره ۲۷۲۱ شورای امنیت ملل متحد، قدرت های جهانی برای تطبیق یکسان قطعنامه عمل نمیکند، اجماع جهانی و منطقوی وجود ندارد، وطی سه دوره کنفرانس دوحه تحت نظر سرمنشی ملل متحد و با شرکت نماینده گان ۲۵ کشور پر قدرت جهان، سازمان ملل برای تحقق موادات اساسی قطعنامه دست نیافت، اما آغاز مذاکره با طالبان نیز بی مفاد برای هردو طرف نیست، حکومت سرپرست طالبان در حالیکه از شرعیت نیز قرائت یکسان ندارند. برای ایجاد یک حاکمیت به رای واراده مردم تمکین نمیکند و مکاتب دخترانه را مسدود کرده اند و زنان را به کاردار ادارات اجازه نمیدهند و به پیشنهادات سازمان ملل تمکین نمیکند، آنها میگویند که حاکمیت مطابق شرعیت برپا کرده اند در حالی که در گذشته همیشه قوانین افغانستان در پرتو شرعیت اسلامی و با مقتضای زمان و منافع ملی و پیشرفت علم و تکنالوژی و حقوق مدنی مردم افغانستان تنظیم گردیده بود، اکنون جامعه در فقر سراسری و انزوای سیاسی و بیسوادی قرار دارد، اقدامات اقتصادی و عمرانی دولت جوابگوی خواستهای جامعه نمیشد، در حالی که هزاران هموطن ما بخصوص نسل جوان تحصیل کرده از وطن فرار کرده هنوزهم هزاران هموطن دیگر ما در حال فرار از کشور قرار دارند.

پرسش: چطور میشود از گذشته پند گرفت و راه علاج در کجاست ؟

پاسخ: در طی صد سال در پیشاپیش آرزوهای مردم برای ترقی و پیشرفت کشور، روشنفکران وطن دوست و وارثان مشروطیت و تجدد طلب با پلان و برنامه برای آبادی و پیشرفت وطن قرار داشته و دارند و در جانب دیگر هموطنان ما با نام مشروعیت دین اسلام بجان هم انداخته شدند، در حالی که هردو طرف خط جنگ افغانان بودند با احساس وطن پرستی، آزادی خواهی و استقلال میرزمیدند، ولی با نسخه های که با درد جامعه ما بیگانه بود مردم بجان هم انداخته شدند و این نسخه ها مسبب مریضی های مدش در بدن خون چکان وطن ما گردید. کشور ما در جنگ تحمیلی ۴۵ ساله سپر دفاعی آسیای میانه و اتحاد شوروی وقت قرار گرفت و از جانب دیگر به عمق اهداف شوروی، آمریکا، انگلیس، پاکستان سنی مذهب و ایران شیعه مذهب مبدل گردید. و اکنون نیز مردم ما قربانی منافع دیگران میگرددند. هرگاه ما با درک همه اشتباهات، خطا ها و حتی خیانت ها که در این مدت صورت گرفته معترف نباشیم و با مردم خویش برای رفع اشتباهات تاریخی از نو و بر بنیاد منافع ملی گام بر نداریم، آنجاست که به شبی میمانیم که در سراب میرویم. و به جایی نمیرویم، با این تجربه گراناها و خونین است که ما با خرد گرایی و تعقل راه گفتمان ملی را برگزیده ایم.

پرسش: راه حل چیست؟ تعامل یا تقابل !

پاسخ: در عرصه سیاست خارجی توافق جامعه جهانی با برسمیت شناختن افغانستان بحیث کشور بیطرف دائمی و مستقل که نقش حایل را در مناسبات شرق و غرب احراز نماید. یگانه راه برای قطع مداخلات جنگ طلبانه تعامل نیک با جهان میباشد.

در عرصه داخلی : گفتمان ملی و ایتلاف حرکت‌های ملی با جنگ و تشنج توافق ندارند، ما معتقدیم که از طریق گفتمان سراسری ملی همه باهم ، با ایجاد فکر سیاسی همه گیر و راه یابنده ، راهی که از نظر داخلی همه نهاد های وطن دوست در آن ایده های وطن پرستانه خود را ببینند و با اقدامات مشترک افغانی با حفظ وحدت و وفاق ملی گام به گام در جهت تامین و اعاده حقوق بشری ، برقراری قانونیت و ثبات کار صورت گیرد و نظام دولتی برپایه قانون اساسی، و اراده مردم باید ایجاد گردد !

حاکمیت بدون قانون اساسی و بدون اراده مردم، و ایجاد و دامن زدن تشنج در کشور بنام قوم و زبان و دین داری و بی دینی بهانه های استخبارات خارجی و پروژه های استعماری جنگ افروز است، از دین بحیث وسیله سیاسی کار گرفتن و مانع ترقی و آزادی خواهی گردیدن ، تخلیه رو شنفکران از کشور پروژه های استعماری است ، بستن مکاتب بروی دختران و جلوگیری از کار زنان مخالف منافع ملی است . قدرتهای استعماری حاضر نیستند در کشور های با داشتن منابع سرشار طبعی دولت ملی حاکم باشد !!!! حفظ جنگ و تشنج وسیله برای تحقق اهداف استعماری قدرتهای بزرگ میباشد.

راه نجات افغانستان در اتحاد سراسری ملی است !! ایجاد دولت برپایه قانون اساسی خواست تمام مردم میباشد .

محترم جمشید پایمرد از اینکه وقت تان را به پرسش های ما اختصاص دادید، سپاس مینمایم.

